

در دوره سلطنت شاهان ساسانی، که پیکر زن را رسماً به شکل نماد ناپاک و  
رقاص و ریاکاری علمای و اشراف و اعیان و اهل بیت و اهل بیت علیهم السلام  
بسیار در تزیینات و بناهای مذهبی و دولتی و غیره به کار می‌بردند و این  
ریاکاریها را در این عرصه به تزیینات و اعیان و اهل بیت علیهم السلام و  
رقاص و ریاکاریها و غیره به کار می‌بردند و این عرصه را به تزیینات و  
پیشگفتار  
عصر ساسانی و ساسانیان را در دوره ساسانیان و ساسانیان و ساسانیان

نقش مؤثر زنان را در استمرار فرهنگ ها و شکل گیری دوران تاریخی نمی توان نادیده  
انگاشت. هر چند در این دوره ها، ظلم و ستم به آنان روا گردید اما زنان همواره در بیرونی  
و اندرونی اندیشه حاکمان و صحنه های سیاسی و اجتماعی نقش خود را ایفا کرده و به  
اثبات رسانده اند. جایگاه زن در ایران، همواره در فراز و نشیب بوده است و این روند، بی  
ارتباط با خصایصی مانند باروری، زایش، عهده دار بودن حیات نسل ها و تدبیر و سیاست  
زنانه - که خود جای تأمل دارد- نبود و این عوامل، جایگاه آیینی و اجتماعی زنان را  
تشکیل داد. موارد یاد شده گاه باعث بروز نظام مادر سالاری و بروز پیکره های ایزد بانوان  
و ساخت الهه های باروری بین اقوام ایرانی گردید و ظهور انواع پیکره سازی با دیدگاه  
زیبایی شناسانه را موجب گشت.

در پژوهش پیش رو بر اساس فصل های ارائه شده، طراحی پیکره سازی زن در ایران  
باستان بنا به موقعیت آیینی، اعتقادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و معادل  
تصویری زن در هر دوره، به اجمال و منطبق با نظام های یاد شده همراه با آراء و اندیشه  
های داخلی و خارجی تحلیل گردید. روش پژوهش؛ توصیفی، تاریخی و تحلیلی است و  
روند پژوهش نه صرفاً با رویکرد باستان شناسی، اساطیری و جامعه شناسی هنر دنبال  
گردیده، بلکه طرح ویژگی بارز شمایل ها، تحلیل مضامین و شاخصه ها در پیکره زن،  
کیفیت بیانی آثار ( در تعامل با جایگاه زن در ایران باستان ) با گوشه چشمی به دیدگاه  
زیبایی شناسی پیکره زنان از زبان تجسمی کنکاش شده است و بدیهی است که به  
ساختار، ترکیب بندی، کیفیت روانی خطوط و مضامین دیگر نیز پرداخته شده است.

نگارندگان کتاب حاضر در بررسی این رویکردها، ضمن ارائه اطلاعات جامع به مخاطبین، آنان را با اتخاذ انواع روش طراحی با نگرش انتزاع گرای، نماد گرایی و واقع گرایی آشنا می سازند. بهره گیری از فنون، مواد رایج در تولید اثر، اهمیت به تناسب پیکره ها متناسب با نوع بیان و هدف، درک هنرمند نسبت به محیط زندگی، تعامل آیین ها و دیدگاه مردم زمانه در عهد باستان از نتایج و دستاورد هایی است که در این تحقیق مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش، صرفاً در آمدی است بر جایگاه پیکره سازی زن بر اساس اسناد مکشوف از باستان شناسان و محققین با نظر به تصویر و مبانی هنرهای تجسمی و امید است دستاورد های آن راهگشای کنکاش برای محققین دیگر باشد.

محمّد اعظم زاده

محمّد اعظم زاده

در این راستا به له و پرتو زیا می آید. تناسبات تنوع و تنوع در فرهنگ و عقاید  
زبان و رایج، تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید  
تناسبات تنوع زیا و تنوع در فرهنگ و عقاید

## چکیده

جایگاه زن در ایران باستان همواره با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. این فرآیند با  
خصایصی همچون باروری و زایش شروع شده که پایه و ریشه بسیاری از آیین های  
ابتدایی و اعتقادات باستانی را در خود دارد. با پیشرفت جوامع و فرهنگ ها، موقعیت زن  
نیز به عنوان عضوی از ساختار اجتماعی، دچار دگرگونی هایی می شود. این دگرگونی  
ها، مرتبه هایی همچون مادر خدایان و الهه ها، ملکه ها و زنان عادی یک جامعه را در بر  
می گیرد. کتاب حاضر، نمایی کلی از تغییر و تحولی بینشی، اعتقادی و فرهنگی نسبت  
به زن در ایران باستان را با تفکیک ادواری مورد مطالعه قرار داده است و ساخت انواع  
پیکره سازی از زنان با عناوین گوناگون را بررسی می کند.

از آنجا که روش تحقیق؛ توصیفی، تحلیلی و تاریخی است، روند پیکره سازی از زن با  
توجه به مطالعات باستان شناسان و تحقیق در جهان اساطیری، با رویکرد زیبایی  
شناسانه در هنر های تجسمی مورد تحلیل قرار گرفته است و ویژگی بارز شمایل ها،  
تحلیل مضامین و کیفیت بیانی آثار مورد توجه واقع شده است. نتایج حاصل از این  
پژوهش نشان می دهد که پیکره سازی از زن با نگرش های واقع گرایانه، نمادین و  
انتزاعی، در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با باورهای آیینی و نیاز های اجتماعی، بالاخص

سلیقه و سفارش طبقه حاکم صورت گرفته است. اگر چه این پیکره ها در ابتدای امر با تأکید بر امر باروری و به جهت نیاز بشر به ازدیاد نسل صورت گرفته است، ولی در طی ادوار مختلف تاریخی و با پیشرفت فرهنگ ها، کارکرد پیکره سازی زن نیز تغییر یافته است و در بسیاری از موارد با نیت های سیاسی و منفعت طلبانه همراه و همگام شده است. این تغییر و تحول در عرصه هنر و بیان کیفی آثار هنری، نشان از عجین شدن باورهای جمعی در ساخت شمایل ها و پیکره های زنانه دارد.

در سال ۱۳۵۲، گروهی از پژوهشگران ایرانی با همکاری هم، برای نخستین بار در ایران با استفاده از روش‌های علمی و آماری، به بررسی وضعیت زنان در ایران پرداختند. در سال ۱۳۵۸، کمیته‌ای از دانشگاه تهران با همکاری هم، به مطالعه وضعیت زنان در ایران پرداختند. در سال ۱۳۶۰، کمیته‌ای از دانشگاه تهران با همکاری هم، به مطالعه وضعیت زنان در ایران پرداختند. در سال ۱۳۶۵، کمیته‌ای از دانشگاه تهران با همکاری هم، به مطالعه وضعیت زنان در ایران پرداختند. در سال ۱۳۷۰، کمیته‌ای از دانشگاه تهران با همکاری هم، به مطالعه وضعیت زنان در ایران پرداختند.

## فصل اول

### مقدمه

#### زن و بیان نمادین در جهان اساطیری: اصطلاح و مفهومی

زنان در دوره‌های مختلف تاریخی از جایگاه و موقعیت‌های متفاوتی برخوردار بوده‌اند. وجود زن از آغاز پیدایش نوع بشر تا کنون در میان مذاهب و ملیت‌های مختلف به عنوان عنصری برای زایش و تداوم نسل شناخته شده و به تبع این نقش در برگیرنده معانی و مفاهیم گسترده‌ای نیز گشته است. در ایران باستان نیز شمایل‌سازی زن از نمادهای زایش و باروری چند هزار ساله آغاز گردیده و سپس به مرور زمان و با پیشرفت فرهنگ‌ها، در معانی و قالب‌های جدیدی با ظرافت و زیبایی بیشتر ظاهر شده‌اند. آنچه حایز اهمیت است این‌که تغییرات صورت گرفته در پیکره‌سازی زنان، همواره تحت تأثیر پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی صورت پذیرفته است و نقش ذوق و سلیقه فردی هنرمند در این آثار کمتر دیده می‌شود.

در این تحقیق سعی بر آن شده تا تصویری از موقعیت آیینی و اعتقادی زن در طی دوره‌های مختلف تاریخ ایران پیش از ظهور اسلام ارائه گردد و نمونه‌های تصویری موجود در هر دوره، منطبق با آیین‌ها و فرهنگ‌های زمان معرفی گردند. هدف از این پژوهش، درک هرچه بهتر موقعیت زنان در ایران قبل از اسلام و شناخت جایگاه تصویری زن متناسب با موقعیت آیینی و اجتماعی وی در دوره‌های مختلف تاریخی است.

زندگی انسان در ایران به زمان های بسیار دورتر از دوره نوسنگی باز می گردد . اما در این نوشتار مطالعه بر روی احوال انسان نخستین از حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد (هم زمان با دوره نوسنگی در خاور نزدیک) آغاز می شود . زمانی که انسان دیگر نیازی ندارد تمام غذای خود را تنها از طریق شکار و جمع آوری غلات تهیه کند. احتمالاً از این زمان است که اولین نمونه های تصویری از اجتماع ها و آیین های اولیه نمایان می گردد و نقطه شروعی در شمایل سازی از زنان در طول چند هزار سال بعدی می باشد.

منطقه

منطقه وسیع را که در شرق و غرب رودخانه دجله و فرات قرار دارد و از شمال تا جنوب امتداد دارد و از شرق تا غرب در امتداد رشته کوه زاگرس قرار دارد، در گذشته مناطق وسیعی را شامل می شد که در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است. در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است. در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است.

در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است. در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است. در این مناطق تمدن های مختلفی ظهور کرده است.

## فصل اول

### زن و بیان نمادین در جهان اساطیری؛ اصطلاح و مضمون

#### اسطوره

"اسطوره در لغت، واژه ای است عربی که آن را به دوگونه توجیه و ریشه یابی می کنند: یکی این که اساطیر از فعل "سَطَرَ" (نوشتن) و اسم آن یعنی "سَطْر" است و صیغه جمع یا جمع الجمع اسطار/ اساطیر/ اساطیره/ اسطور/ اسطوره است. دوم این که اساطیر جمع "اسطوره" است و این اسطوره معرف واژه یونانی "ایستریا"<sup>۱</sup> که در زبان انگلیسی به صورت "هیستوری"<sup>۲</sup> به معنای تاریخ و "استری"<sup>۳</sup> به داستان و خبر در آمده است. در زبان یونانی واژه ایسوریا به چند معنای پرستش، پژوهش، خبر، داستان و تاریخ بکار رفته

1- Istoria  
2- History  
3- Story

است. البته امروز بیشتر لغت شناسان عرب مایل به نظر دوم هستند؛ اینکه کلمه اسطوره از ایستوریای یونانی است"<sup>۱</sup>.

میرچا الیاده<sup>۲</sup> درباره اسطوره می گوید: "اسطوره نقل کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است. راوی واقعه ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است. به بیان دیگر، اسطوره حکایت می کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت، کیهان و فقط جزئی از واقعیت، جزیره ای، نوعی نباتی خاص، سلوک و کردار انسان، پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین، اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است"<sup>۳</sup>.

تعریف جان هینلز<sup>۴</sup> از اسطوره در ردیف مقدس شمردن اساطیر جای می گیرد: "اسطوره ها منشورهایی را در مورد رفتار اخلاقی و دینی به دست می دهند و عقاید را تبیین و تدوین می کنند و سرچشمه قدرت مافوق طبیعی هستند"<sup>۵</sup>.

در این خصوص ابوالقاسم اسماعیل پور معتقد است: "اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و بطور کلی جهان شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی بکار می بندد. اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه ای نمادین، تخیل و وهم انگیزی می گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه ای تمثیلی کاوشگر هستی است"<sup>۶</sup>.

از دیدگاهی دیگر: "اسطوره، جلوه گاه هنر و اندیشه هر قوم و ملتی است و اسطوره ها ماندگارترین پدیده هائیند، که با دو روی آشکار و پنهان، روشن ترین و نهفته ترین تعالیم

۱ - دریا بندری، ۱۳۸۰، ۱۹۱.

2- Mircea Eliade

3 - الیاده، ۱۳۶۲، ۱۴.

4- John Hinnells

5 - هینلز، ۱۳۶۸، ۲۴.

6 - اسماعیل پور، ۱۳۷۷، ۱۳.



فرهنگی رادر خود جای داده اند. در اسطوره شناسی واقعیت های فیزیکی، جای چندانی ندارند و حقایق و ارزش های معنوی در پس تجلیات صوری آنها محصور است"<sup>۱</sup>.

در برخی از تعاریف، اسطوره توجیهی برای پدیده های طبیعی است. " باید توجه داشت که یک رابطه است که در همه اساطیر و افسانه ها حضور و ظهور دارد و حتی در قدیم ترین آنها نیز خودنمایی می کند و آن رابطه علت و معلولی است. درست است که اغلب علت ها، عقلانی نیستند و مستدل بیان نمی شوند، اما دست کم در پاسخ پرسش هایی می آیند که عقلانی اند و از سر کنجکاوی برخاسته از ذهنیت علت جو می باشند"<sup>۲</sup>.

بعضی معتقدند که " همه اساطیر توجیهی اند، یعنی کارکردشان شناخت سبب و علت پدیده های طبیعی و آداب و رسوم و توجیه و تبیین آنهاست و در واقعیت همواره چنین است، اما باید توجه داشت که منظور، علت و تبیین به معنای علمی این واژه نیست و درست تر آن است که بگوییم اساطیر، به واقعیت مشروعیت می بخشند و واقعیت را به جهانی دیگر می پیوندند و جابجا می کنند و بدان رنگ و بوی قداست می دهند"<sup>۳</sup>.

فروید<sup>۴</sup> اساطیر را در پرتو رویا تصور می کند و می گوید: " اساطیر ته مانده های تغییر شکل یافته تخیلات و امیال اقوام و ملل و رویاهای متمدنی بشر در دوران جوانی اند. اسطوره در تاریخ حیات بشریت یعنی از لحاظ تکوین و تسلسل تیره های حیوانی، مقام رویا در زندگی فرد را دارد"<sup>۵</sup>. و برخی از تعاریف، اسطوره را برگرفته از تاریخ می دانند. " اسطوره عبارت است از ثبت نمایش وار و کوتاه موضوعاتی چون تاخت و تازها، مهاجرت ها، دگرگونی های سلسله های شهریاری، پذیرش آیین های بیگانه و اصطلاحات اجتماعی است"<sup>۶</sup>.

## آفرینش

۱ - ۱۹۷۶ - ۷۹، زن و بیان نمادین در جهان اساطیری، فصل دوم، چینی، ص ۷۹.

۲ - ۱۹۷۶، ۷۹.

۳ - ۸۹۶/۱، ۷۱۱.

۴ - ۱۹۵۶، ۵۹.

۵ - ۱۹۷۶، ۵۹.

4- Sigismund Schlomo Freud

۶ - ۱۹۷۶، ۶۱.

1 - زکرگو، ۱۳۷۷، ۷.

2 - لنسلین گرین، ۱۳۶۶، ۷.

3 - استروس، ۱۳۷۷، ۱۹۹.

5 - باستید، ۱۳۷۰، ۳۳.

6 - ژیران، ۱۳۷۵، ۱۳.

در آن هنگام نه نیستی بود و نه هستی، نه هوایی بود و نه آسمانی که از آن برتر است<sup>۱</sup>، " هنگامی که در فراز، آسمان را نامی نبود، در زیر، زمین استوار، نامی نیافته بود..."<sup>۲</sup>، " پیش از آنکه زمین و آسمانی وجود داشته باشد..."<sup>۳</sup> . این ها جملات آغازین کتب ، کتیبه ها و الواحی است که در آن پیدایش نخستین جهان و آفرینش ، مورد بحث قرار گرفته است. " اساطیر آفرینش در همه ملت ها به اشکال گوناگون وجود دارد و در میان باورها و اعتقادات اقوام نفوذ کرده است. هر کدام از این اسطوره ها، داستان هایی مستقل هستند که در محیط فرهنگی و اجتماعی خاصی پدید آمده اند. در بین اسطوره ها عناصر مشترکی یافت می شود که مبین اندیشه های مشترک و دیدگاه خاص بشر اولیه می باشد. پرسش انسان همواره درباره پیدایش جهان یکی بوده است: این جهان را چه کسی و چگونه به وجود آورده است؟ از طرفی ابزارها و امکاناتی که در دسترس بشر اولیه در سراسر جهان بوده است، تقریباً یکسان است: زمین با بارش برف و باران بارور می شود، ابرهایی که در آسمان در حرکتند باعث بارندگی می شوند و مهمترین عامل باروری زمین، و در نتیجه بقای انسان می باشند و بالاخره آسمان، ماه ، خورشید و ستارگان هستند. بنابراین پاسخ ها دارای وجوه مشترک می گردند"<sup>۴</sup> . " در اساطیر آفرینش بسیاری از اقوام، سخن از یک موجود یا خدای عظیم الجثه ای است که بنا به دلایلی تکه تکه می شود و از اعضای مختلف بدن او این جهان به وجود می آید"<sup>۵</sup> .

" در همه روایت های مربوط به آفرینش، فرآیند آفرینش با آغاز روشنایی همراه است. در افسانه بابلی، آفرینش جهان بر اثر نبرد مردوک<sup>۶</sup>، خدای خورشید بامدادان و خورشید بهاران با هیولای تیامات<sup>۷</sup> که خطر تاریکی و آشفستگی است، پدید آمده است "<sup>۸</sup> . در این مبارزه مردوک تیامت را کشته و از پاره های بدنش زمین و آسمان را ساخت . در روایات

۱ - گزیده ریگ ودا، ترجمه و پژوهش محمد رضا جوادی نائینی، ۱۳۶۷، ۴.

۲ - گری، ۱۳۷۸، ۴۷.

۳ - هینلز، ۱۳۶۸، ۱۱۷.

۴ - رضایی، ۱۳۸۳، ۶۵.

۵ - همان، ۶۵.

۶ - Marduk

۷ - Tiamat

۸ - معصومی، ۱۳۸۷، ۱۹.